

## ویژگی‌ها و شاخصه‌های ادبیات عامیانه در مرزبان‌نامه، روضه‌العقول، سندبادنامه و نسخه خطی مصور کلیله‌ودمنه

### چکیده

ادبیات عامیانه آینه زندگی واقعی انسان‌هاست؛ برای آگاهی از باورها و ارزش‌های معنوی هر ملتی باید به ادبیات عامیانه آن ملت که در قالب‌های مختلف نمود پیدا کرده است رجوع کرد. ادبیات عامیانه سرچشمه بسیاری از شاهکارهای ادب رسمی قرار گرفته و از گذشته‌های دور، بسیاری از افسانه‌ها، باورها و معتقدات مردم، ضرب‌المثل‌ها و کنایه‌ها ... در آثار بسیاری از شاعران و نویسندگان بزرگ انعکاس یافته‌است. پژوهش حاضر با شیوه اسنادی و تحلیل کیفی بر آن است که به بررسی باورهای عامیانه در مرزبان‌نامه، روضه‌العقول و سندبادنامه و نسخه خطی مصور کلیله و دمنه (آل‌اینجو) بپردازد. بررسی باورهای عامیانه در آثار مورد بررسی بیانگر نفوذ اعتقادات عامه مردم در آثار ادبی و اشتراکات فرهنگی مردم دوره تألیف آثار مذکور است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که تکرار و حضور پررنگ باورهای عامیانه چون چشم‌زخم، طلسم و افسون، اعتقاد به قضا و قدر، اعتقاد به طالع‌بینی، وجود دیو و اجنه و موجودات افسانه‌ای، برتری مرد بر زن و ... در آثار مورد بررسی علاوه بر اینکه بیانگر ریشه مشترک این آثار است؛ جلوه‌ای از اجتماع و فرهنگ سرزمین و مردم است.

### اهداف پژوهش:

۱. بررسی شاخصه‌های ادبیات عامیانه در مرزبان‌نامه، روضه‌العقول، سندبادنامه و نسخه خطی مصور کلیله‌ودمنه.
۲. معرفی نسخه خطی مصور کلیله‌ودمنه آل‌اینجو.

### سؤالات پژوهش:

۱. مهم‌ترین شاخصه‌های ادبیات عامیانه در شاخصه‌های ادبیات عامیانه در مرزبان‌نامه، روضه‌العقول، سندبادنامه و نسخه خطی مصور کلیله‌ودمنه چیست؟
۲. نسخه خطی مصور کلیله‌ودمنه آل‌اینجو چه ویژگی‌هایی دارد؟

**کلیدواژه‌ها:** ادبیات عامیانه، مرزبان‌نامه، روضه‌العقول و سندبادنامه، نسخه خطی مصور کلیله‌ودمنه.

## مقدمه

ادبیات عامیانه یا همان فولکلور از ترکیب دو جزء (Folk) و (Lore) تشکیل شده و معنای آن دانش عوام است. در فرهنگ معین فولکلور به معنای دانش مردم، علم به آداب و رسوم توده مردم و افسانه‌ها و تصنیف‌های عامیانه، آورده شده است و در فرهنگ دهخدا نیز مجموعه عقاید، اندیشه‌ها، قصه‌ها، آداب و رسوم، ترانه‌ها و هنرهای ساده و ابتدایی یک ملت، فولکلور نامیده شده است. محققان در رابطه با کاربرد و گستره فرهنگ مردم (فولکلور) مناقشاتی دارند؛ برخی آن را تمام مسائل و موضوعات شفاهی می‌دانند که از گذشته تاکنون دهان‌به‌دهان گشته است. برخی نیز آن را تنها در ادبیات عامه و شفاهی خلاصه می‌کنند و در مقابل برخی دیگر نیز آن را اعمالی می‌دانند که بدون فلسفه و از روی عادت صورت می‌گیرد و گروهی اعمال تکرارناپذیر در رفتار و گفتار را فولکلور می‌پندارند؛ مثل لالایی‌ها، مثل‌ها و... (ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۷). در گذشته مرز مشخصی برای انواع ادبیات داستانی و ادبیات عامه وجود نداشت و این انواع به معنی کلی داستان منثور یا منظوم هم در ادب عامه و هم در ادبیات رسمی به کار می‌رفته‌اند. «نویسندگان در گذشته، حدیث، افسانه، اخبار، داستان و مانند آن‌ها را هم برای قصه‌های عامه و داستان‌های ادبی به کار می‌برده‌اند و آنچه منظورشان را بر خواننده معلوم می‌کرده، زمینه‌ی مطلب و سیاق کلام بوده است، اما امروزه ادبیات داستانی عامه آن دسته از آثاری هستند که محتوا و مضمون، سبک نگارش، مخاطبان و شکل ارائه آن‌ها باب پسند عامه و در میان مردم رایج باشد است» (ذوالفقاری، ۱۳۹۷: ۱۲).

درواقع ادبیات عامیانه بخشی از گذشته ادبیات ما را تشکیل می‌دهد که شامل مثل‌ها، افسانه‌ها، لالایی‌ها و ترانه‌هایی است که در گذشته پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها برای نوه‌های خود نقل می‌کردند. ادبیات فولکلور ایرانی هم مانند ادبیات هند و یونان، در آغاز شکل حماسی داشته و به همین دلیل دست‌مایه اثر جاودانه‌ای چون شاهنامه فردوسی شده است. اما در ایران پس از تغییرات ژرفی که در اثر استیلای حکومت‌های طایفه‌ای، از غزنویان به‌ویژه سلجوقیان تا حکومت نوادگان چنگیز و تیمور و پس از آن تا قاجار روی داد، ادبیات عامیانه نیز متحول شد و از صورت حماسی و شهنشاهی و بهادری به شیوه تفکر رمانتیک تحول یافت و دست‌مایه آفرینش آثار جاودانه نظامی و شعری بعد از او شد. پژوهشگران با استدلال‌های متفاوت به تحلیل این جریان پرداخته‌اند و می‌گویند در ادبیات فولکلور ایرانی پس از عبور از مرحله آغازین (حماسی)، افسانه‌های پهلوانی و شهنشاهی، جای خود را به افسانه‌های احساسی دادند (سپیک، ۱۳۸۴: ۵۵).

محبوب در کتاب ادبیات عامیانه ایران معتقد است که «همان‌گونه که یک ضرورت تاریخی و اجتماعی، قانون ترقی و تکامل بشر، اقتضا می‌کرد که دانش و هنر به وسیله مغزهای برگزیده به‌پیش روند، ضرورت ارضای حس کنجکاوی بشر نیز ایجاب می‌کرد که در برابر هر سؤال، پاسخی ولو عوامانه و نادرست وجود داشته باشد و تمایلات عاطفی هر بشری به نحوی ارضا شود و ذوق وی نیز اثری را پدید آورد؛ بنابراین ضرورتی اجتماعی وجود داشته که تا امروز فرهنگ عوام توانسته است با وجود پیشرفت فوق‌العاده فرهنگ رسمی دوام بیاورد و ممکن است فردا این ضرورت اجتماعی وجود نداشته یا کم‌تر وجود داشته باشد. در نتیجه برخی رشته‌های این فرهنگ به زوال و نابودی محکوم می‌شود» (محبوب، ۱۳۸۲: ۴۰)؛ بنابراین توجه به ادبیات عامه به‌مثابه توجه به میراث فرهنگی ملت‌هاست اما این مهم نیز نباید از نظر دور بماند که چه زمینه‌های اجتماعی و تاریخی، ملت‌ها را متوجه ارزش این میراث فرهنگی می‌کند و آن‌ها را مجاب می‌سازد که به جمع‌آوری و تحقیق در ارتباط با افسانه‌ها و روایات عامیانه اهتمام ورزند.

این پژوهش بر آن است که به بررسی باورهای عامیانه‌ای که در آثار مورد بررسی یعنی مرزبان‌نامه، روضه‌العقول، سندبادنامه و نسخه خطی مصور کلیله‌ودمنه (آل‌اینجو)، دارای بسامد بیشتر و مشترک هستند، بپردازد. مثلاً اعتقاد به قضاوقدر در حوادث جهان از باورهای عامیانه‌ای است که در سراسر ادبیات فارسی و نیز در مرزبان‌نامه، روضه‌العقول، سندبادنامه و در نسخه مصور کلیله‌ودمنه (آل‌اینجو) مطرح شده است؛ در سندبادنامه اساس حوادث و اتفاقات داستان بر قضا و قدر است که از باورهای عامیانه مردم بوده است. در کلیله‌ودمنه حاکم بودن قضاوقدر در سرنوشت انسان و عامل خیر و شر بودن آن و توانگری و سروری و همین‌طور قسمت معین شده برای هر کس که بیش کم نمی‌شود و کوشش در آن اثری ندارد و باید به آن رضایت داد، به‌وضوح دیده می‌شود. اعتقاد به قضاوقدر در مرزبان‌نامه هم در حکایات بسیاری مطرح شده است. درباره ادبیات عامیانه در کلیله‌ودمنه و برخی از آثار مورد بررسی در این پژوهش، تحقیقاتی صورت گرفته است که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد. در هیچ‌یک از این تحقیقات به بررسی باورهای عامیانه مشابه در چهار اثر در مرزبان‌نامه، روضه‌العقول، سندبادنامه و در نسخه مصور کلیله‌ودمنه (آل‌اینجو) که دارای بافت و ریشه‌ای مشترک هستند پرداخته نشده است. رستمی ابوسعیدی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «بررسی جایگاه اساطیر زنده و باورهای عامیانه در کلیله‌ودمنه» به بررسی یکی از مظاهر فرهنگ عامه یعنی خرافات که امروزه با عنوان اساطیر زنده معروفند پرداخته‌اند. دری و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «باورها و فرهنگ عامه در سندبادنامه» به مطالعه حکایت‌های سندبادنامه و جلوه‌های فرهنگ عامه در آن‌ها پرداخته‌اند. تیموری (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «باورهای عامیانه در مرزبان‌نامه و راونی» نگرش‌های خرافی را در این اثر بررسی نموده است. محمودی و همکاران (۱۴۰۰)، در مقاله‌ای با عنوان «بازتاب ابعاد سیاسی جامعه در داستان‌های تمثیلی مرزبان‌نامه، پنج‌تنترا و کلیله و دمنه مصور چاپ سنگی موزه ملک» روابط سیاسی را در ابعاد گوناگون و به‌صورت تطبیقی در جامعه در داستان‌های تمثیلی مرزبان‌نامه، پنج‌تنترا و کلیله‌ودمنه مصور چاپ سنگی موزه ملک بررسی نمودند.

### نتیجه‌گیری

توجه به ادبیات عامه به‌مثابه توجه به میراث فرهنگی ملت‌هاست. زمینه‌های اجتماعی و تاریخی، ملت‌ها را متوجه ارزش این میراث فرهنگی می‌کند و آن‌ها را مجاب می‌سازد که به جمع‌آوری و تحقیق در ارتباط با افسانه‌ها و روایات عامیانه اهتمام ورزند. از منابع مهم توجه به ادبیات عامیانه، توجه به متون منثور قرون گذشته است که در ژانرهای مختلف تاریخی، پزشکی، داستانی، تعلیمی و... تألیف شده‌اند. آثار مورد بررسی در این پژوهش یعنی مرزبان‌نامه، سندبادنامه، روضه‌العقول و نسخه مصور کلیله‌ودمنه که در یک برهه تاریخی نزدیک به هم در قرن ششم تألیف شده‌اند، نمونه‌های بارزی از جلوه ادبیات عامیانه محسوب می‌شوند. این آثار که از آثار تعلیمی و پندآموز و داستانی ادبیات فارسی هستند، به اقتضای هدف خود یعنی؛ پندولندرز دادن به مخاطب و تأثیرگذاری بر او، از باورها و اعتقادات عامه مردم به این منظور بهره برده‌اند. این‌گونه استفاده از ادبیات عامیانه در تأثیرگذاری و اقناع مخاطب در پذیرش پند و اندرز نهفته در حکایات از ویژگی‌های مهم آثار داستانی و تعلیمی ادبیات فارسی محسوب می‌شود.

تکرار و حضور پررنگ باورهای عامیانه چون چشم‌زخم، طلسم و افسون، اعتقاد به قضاوقدر، اعتقاد به طالع‌بینی، وجود دیو و اجنه و موجودات افسانه‌ای، برتری مرد بر زن و... در آثار مورد بررسی علاوه بر آن اینکه بیانگر ریشه مشترک این آثار است؛ جلوه‌ای از اجتماع و فرهنگ سرزمین و مردم است؛ بنابراین باورها و اعتقادات عامیانه آثار منثور مورد بررسی بیانگر افکار و باورها و اعتقادات مردم قرن ششم است که رسوخ برخی از آن‌ها در اذهان مردمان تا امروز نیز ماندگار بوده و در قرون جدید نیز شاهد بسیاری از این باورهای خرافی و اعتقادات عامیانه در اشکال مختلف هستیم.

## منابع و مأخذ:

- ارجانی، فرامرز. (۱۳۸۵). سمک عیار، به کوشش پرویز خانلری. تهران: آگاه.
- باقری خلیلی، علی اکبر. (۱۳۸۲). فرهنگ اصطلاحات طبی در ادب فارسی. بابلسر: دانشگاه مازندران.
- بهار، محمدتقی. (۱۳۶۹). سبک‌شناسی (تاریخ تطور نثر فارسی). تهران: امیرکبیر.
- بهار، مهرداد. (۱۳۶۲). پژوهشی در اساطیر ایران، پاره نخست. تهران: توس.
- بهار، مهرداد. (۱۳۸۱). پژوهشی در اساطیر ایران، تهران: آگاه.
- تمیم‌داری، احمد. (۱۳۹۰). فرهنگ عامه. تهران: مهکامه.
- جعفری قنواتی، محمد. (۱۳۹۸). درآمدی بر فولکلور ایران. تهران: جامی.
- داد، سیما. (۱۳۹۰). فرهنگ اصطلاحات ادبی. چاپ پنجم، تهران: مروارید.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.
- ذوالفقاری، حسن. (۱۳۹۷). ادبیات داستانی عامه. تهران: خاموش.
- ذوالفقاری، حسن. (۱۳۹۴). باورهای عامیانه مردم ایران. تهران: چشمه.
- رامپوری، غیاث‌الدین محمد. (۱۳۶۵). غیاث اللغات. به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: معرفت.
- ربیعی، محمد. (۱۳۷۰). باقیات الصالحات. کرمانشاه: مسجد جامع شافعی.
- زریری، عباس. (۱۳۶۹). داستان رستم و سهراب، به کوشش جلیل دوست‌خواه، تهران: توس.
- سپیک، پیری. (۱۳۸۴). ادبیات فولکلور ایران. ترجمه: محمد اخگری، چاپ سوم، تهران: سروش.
- شربینی، شمس‌الدین محمدبن خطیب. (۱۴۲۴). مغنی المحتاج. بیروت: دارالفکر.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۷). فرهنگ اشارات ادبیات فارسی دوره دو جلدی. تهران: فردوسی.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۶). سبک‌شناسی نثر. چاپ دهم، تهران: میترا.
- شهیدی، سید جعفر. (۱۳۵۷). شرح لغات و مشکلات دیوان انوری ابیوردی. تهران: انجمن آثار ملی.
- ظهیری سمرقندی. (۱۳۶۲). سندبادنامه. به اهتمام احمد آتش، تهران: فرزانه.
- فاضلی، نعمت‌الله. (۱۳۸۱). «فرهنگ عامه و ادبیات عامیانه فارسی». نشریه کتاب ماه هنر، شماره ۴۴، ۴۳، ۸۵-۸۲.
- فتوحی، محمود. (۱۳۹۰). سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها، روش‌ها. تهران: سخن.
- محبوب، محمدجعفر. (۱۳۸۲). ادبیات عامیانه ایران (مجموعه مقالات درباره افسانه‌ها و آداب و رسوم مردم ایران). به کوشش حسن ذوالفقاری، تهران: چشمه.

محمودی، خدیجه و منصوریان، حسین و پارسایی، حسین. (۱۴۰۰). «بازتاب ابعاد سیاسی جامعه در داستان‌های تمثیلی مرزبان‌نامه، پنج‌تنترا و کلیله و دمنه مصور چاپ سنگی موزه ملک». فصلنامه مطالعات هنر اسلامی، دوره ۱۸، شماره ۴۳، ۵۶۴ - ۵۴۶.

مصاحب، غلامحسین. (۱۳۸۳). دایره‌المعارف فارسی. تهران: امیرکبیر.

مصفا، ابوالفضل. (۱۳۶۶). فرهنگ اصطلاحات نجومی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

مطهری، مرتضی. (۱۳۶۰). انسان و سرنوشت، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

ملطیوی، محمدبن‌غازی. (۱۳۶۳). روضه‌العقول. ترجمه منوچهر دانش‌پژوه، چاپ دوم، تهران: وحید.

منشی، نصرالله. (۱۳۷۱). کلیله و دمنه. تصحیح و توضیح مجتبی مینوی، تهران: امیرکبیر.

منشی، نصرالله. نسخه خطی مصور کلیله و دمنه آل اینجو، شماره نسخه (OR ۱۳۵۰۶)، محل نگهداری: موزه بریتانیا.

مؤذن جامی، محمد مهدی. (۱۳۷۹). ادب پهلوانی. تهران: ققنوس.

میرصادقی، جمال؛ میمنت میرصادقی. (۱۳۸۸). واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی. تهران: لوگوس.

وراوینی، سعدالدین. (۱۳۸۳). مرزبان‌نامه. به کوشش خلیل خطیب رهبر، تهران: صفی‌علی‌شاه.

Chadwick, The Growth of Literature, Cambridge, ۱۹۳۲-۱۹۴۰; Cuddon, J. A., A Dictionary of Literary Terms, Middlesex etc., ۱۹۸۴; Dundes, A., The Study of Folklore, Tokyo, ۱۹۶۵; Icar, [www.icar.ir / Page / 4558 / section / litem / mid / 11883 / id / 25895 / Default.aspx](http://www.icar.ir/Page/4558/section/litem/mid/11883/id/25895/Default.aspx); Utley, F. L., «Folk Literature: An Operational Definition» (vide: Dundes); Welck, R. and A. Warren, Theory of Literature, Penguin Books.